



کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران

wncri.org/fa
[@womenncri](https://twitter.com/womenncri)
[@womenncri](https://facebook.com/womenncri)

دسامبر ۲۰۲۵



12

مروری بر کارنامه
یک ساله **مقاومت**
زنان ایران در مبارزه
با دیکتاتوری مذهبی

مروری بر کارنامه یک ساله مقاومت زنان ایران در مبارزه با دیکتاتوری مذهبی

در سال ۲۰۲۵، زنان ایران با چالش‌ها و بی‌عدالتی‌های بیش از پیش مواجه شدند، اما در مبارزه با دیکتاتوری حاکم نیز هرگز تسلیم نشده و باز هم مقاومت کردند و پرچم مبارزه را در دستشان برافراشته نگه داشتند. آخرین شماره ماهنامه کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران در سال ۲۰۲۵، اختصاص دارد به مروری بر مهمترین وقایع سال در رابطه با مقاومت زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و زنان در سراسر ایران به رغم فشارهای اقتصادی و گسترش فقر و تبعیض ساختاری.



ژانویه ۲۰۲۵: اوج گیری اعتراضات سراسری با نقش پیشروی زنان

سال ۲۰۲۵ با گسترش چشمگیر اعتراضات تقریباً روزانه در سراسر ایران آغاز شد؛ اعتراضاتی که زنان در آن نقش محوری داشتند. از تهران تا سنج و ایلام، زنان از اقشار و سنین مختلف با مطالباتی نظیر عدالت اجتماعی، بهبود معیشت و پایان تبعیض به خیابان‌ها آمدند و حضور گسترده آنان در استان‌های مختلف، بیانگر خشم فزاینده نسبت به سیاست‌های رژیم ایران بود.

زنان معلم، پرستار، بازنشسته و دختران دانشجو بیشترین حضور را در این اعتراضات داشتند. اعتراضات بازنشستگان فرهنگی به جنبشی منسجم و پایدار تبدیل شد که تقریباً هر هفته در تهران و چندین کلان‌شهر ادامه یافت و با سرکوب نیروهای امنیتی، از جمله استفاده از گاز فلفل در ۳۰ دی ۱۴۰۳، مواجه گردید. با وجود سرکوب، زنان همواره در صف اول ایستادند و بر شعار «فقط کف خیابان به دست میاد حقمان» تأکید کردند.



فوریه ۲۰۲۵: مقاومت زندانیان سیاسی زن و خانواده‌ها

گروهی از زنان زندانی سیاسی در بند زنان اوین به دلیل تحصن و سردادن شعارهای ضدحکومتی در اعتراض به انتقال دو زندانی سیاسی محکوم به اعدام بهروز احسانی و مهدی حسنی، از حق ملاقات محروم شدند. رئیس زندان اوین این حکم تنبیهی را به زندانیان ابلاغ کرد. این ممنوعیت سه هفته به طول انجامید.

2

هم‌زمان خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام برای دومین هفته متوالی در مقابل زندان اوین تجمع اعتراضی برگزار کردند. خانواده‌ها با شعارهایی مانند «نه به اعدام» و «لغو حکم اعدام» مخالفت خود را با اجرای احکام صادر شده اعلام کردند.

مارس ۲۰۲۵: تشدید بحران اقتصادی و فشار مضاعف تورم بر زندگی زنان

وضعیت اقتصادی ایران در سال‌های اخیر با تورم شدیدی روبه‌رو بوده است. در ماه مارس که برابر با عید باستانی نوروز بود تورم وحشتناکی امان مردم را برید و تأمین حداقل‌های زندگی مانند خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت را ناممکن کرد.

زنان، به‌ویژه سرپرستان خانوار یا کسانی که مدیریت هزینه‌های خانه را برعهده دارند، بیشترین آسیب را از این وضعیت دیدند. گرانی اجناس و کالاهای تورم در شب عید کمر مردم را شکسته است، بیشترین فشار و سنگینی این بار اقتصادی را قشر فرودست یا متوسط تحمل خواهند کرد. (رکنا - ۲۱ اسفند ۱۴۰۳)

فساد و سوءمدیریت منابع به افزایش نقدینگی و تورم منجر شد. وقتی ثروت ملی غارت می‌شود، دولت برای جبران کسری بودجه به چاپ پول روی می‌آورد که این خود قیمت‌ها را بالاتر می‌برد. زنان که اغلب در مشاغل کم‌درآمد یا خوداشتغالی مانند دست‌فروشی مشغول هستند از این چرخه معیوب بیشترین آسیب را می‌بینند.

محمد بحرینیان، پژوهشگر حکومتی، اعلام کرد ۴۲/۵ درصد اشتغال در ایران به صورت خوداشتغالی است، و بسیاری از زنان در این بخش‌ها با درآمد ناچیزی روزگار می‌گذرانند که با تورم روزه‌روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. (خبرآنلاین - ۲۹ اسفند ۱۴۰۳)



3

آوریل ۲۰۲۵: افزایش اعدام زنان و افشای قتل عام ۶۷، نمایانگر خشونت سیستماتیک

در ماه آوریل رکورد جدیدی از اعدام زنان توسط رژیم ملایان به ثبت رسید. هر چند که پس از آن شمار اعدام زنان افزایش پیدا کرد، در این ماه دست کم ۵ زن در شهرهای اصفهان، قزوین و مشهد به چوبه‌های دار آویخته شدند.

ماه آوریل همچنین شاهد افشاگری هولناک و جدیدی از درون رژیم بود. در فروردین ۱۴۰۴، بی‌بی‌سی در فایل صوتی تازه‌ای گوشه‌ای از جنایات قتل عام ۶۷ را فاش کرد. حسینعلی منتظری، جانشین وقت خمینی، با صراحت از اعدام گسترده زنان مجاهد در تابستان ۱۳۶۷ انتقاد می‌کند. این نوار گفت‌وگوی منتظری با اعضای هیأت مرگ در زندان اوین را ثبت کرده و پرده از جنایاتی برمی‌دارد که قربانیان عمده‌اش، زنان جوانی بودند که به خاطر پافشاری بر باورهای سیاسی خود اعدام شدند.

منتظری به‌ویژه از اعدام حدود ۳۰۰ زن مجاهد، از جمله دو تبعه فرانسه، سخن می‌گوید که حتی فرصت استفاده دیپلماتیک از آن‌ها نادیده گرفته شد. او همچنین نمونه‌ای از یک دختر هوادار مجاهدین را ذکر می‌کند که تنها به دلیل مخالفت فکری با رژیم به مرگ محکوم شده بود. در این فایل، منتظری مشروعیت شرعی اعدام زنان را زیر سوال می‌برد و به نقل از منابع فقهی تأکید می‌کند که چنین اعدام‌هایی حتی در فقه شیعه قابل توجیه نیست. او تصریح می‌کند بسیاری از این زنان تنها به خاطر خواندن یا پخش اعلامیه به زندان افتاده بودند.

ماه مه ۲۰۲۵: محرومیت پزشکی زنان زندانی سیاسی

خاموش کردن صداهای مخالف توسط رژیم سرکوبگر ولایت فقیه نه یک سیاست، بلکه سازوکاری نهادینه برای حفظ قدرت است. بازداشت، شکنجه و حبس طولانی مدافعان حقوق بشر تنها بخشی از دستگاه سرکوب است. یکی از بی رحمانه ترین ابزار نقض حقوق بشر، محروم کردن زندانیان سیاسی از دسترسی به خدمات پزشکی و درمانی است. زنان در این شرایط در مسیر مرگ تدریجی قرار می گیرند.

شماری از زنانی که با وجود بیماری های سخت، صدای حق طلبانه شان خاموش نشد عبارتند از:

- مریم اکبری منفرد، ۵۰ ساله، با سابقه ۱۵ سال زندان، محبوس در زندان مخوف قرچک.
- مرضیه فارسی، ۶۰ ساله، مبتلا به بیماری سرطان و محبوس در زندان اوین.
- زینب جلالیان، ۴۴ ساله، زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، در زندان یزد در تبعید.
- هدی مهرگانفر، ۳۸ ساله، محبوس در زندان عادل آباد شیراز.
- ارغوان فلاحی، ۲۵ ساله، ساکن پرنده، با یک بیماری مزمن محبوس است.

این نمونه ها تنها بخشی از وضعیت بحرانی زنان زندانی سیاسی در ایران را نشان داد و بیانگر ادامه نقض حقوق بشر و شرایط خطرناک آنهاست.

4

ژوئن ۲۰۲۵: خشونت نهادینه علیه زنان؛ نتیجه قوانین زن ستیزانه بعلاوه ۱۴ سال تأخیر در

تصویب لایحه منع خشونت

در این ماه اعلام شد که لایحه منع خشونت علیه زنان پس از ۱۴ سال هنوز به تصویب نرسید. معاون امور زنان و خانواده در نهاد ریاست جمهوری رژیم نیز از محرمانه بودن آمارهای خشونت علیه زنان پرده برداشت.

زهرا بهروزآذر در این رابطه گفت: «هنوز در وضعیتی به سر می بریم که میزان خشونت و همسرآزاری بین زنان ۳۰ برابر مردان است؛ متأسفم که این داده هنوز محرمانه نگهداری می شود. اینکه این داده محرمانه نگه داشته شده، باعث شده وقتی لایحه خشونت علیه زنان را در مجلس پیش می بریم و راجع به آن صحبت می کنیم، به ما بگویند: «نه، خشونت کجاست؟ اصلاً کجا خشونت علیه زنان وجود دارد؟ کجا همسر آزاری وجود دارد؟ اگر هم هست، برابر است.»

در شرایطی از گسترش قتل های ناموسی و خانوادگی صحبت می کنیم که این موارد اصلاً برای مناطق محروم یا اقوام خاصی نیست. متأسفانه در شهرها و فضاهاى مدرن و بین جامعه تحصیل کرده، خشونت علیه زنان و انواع خشونت های خانگی مشاهده می شود. (ایسنا - ۱۷ خرداد ۱۴۰۴)

ژوئیه ۲۰۲۵: سرکوب سازمان یافته زندانیان سیاسی زن و مقاومت مستمر آنها

فشار روانی، محرومیت پزشکی، شکنجه سفید و شرایط غیرانسانی زندان‌ها، بخش ثابت سیاست سرکوب برای درهم شکستن مقاومت و حذف فیزیکی نیروهای مخالف بود و رسانه‌های رسمی رژیم آن را حمایت کردند.

زندانیان سیاسی زن به‌ویژه در زندان قرچک، اوین و فردیس کرج با شرایط غیرانسانی مواجه بودند. اتاق‌های متروک و غیربهداشتی، محدودیت شدید دسترسی به ملاقات و ارتباط با خانواده، محرومیت از دارو و مراقبت پزشکی، و فشار روحی و جسمی مستمر از جمله ابزارهایی است که رژیم برای سرکوب و حذف زنان زندانی اعمال کرد. وضعیت بحرانی جسمی و روانی این زنان، مصداق شکنجه تدریجی و نقض حقوق بشر و قواعد بین‌المللی است.

در همین زمینه، گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد نیز در بیانیه‌ای روز ۴ ژوئیه ۲۰۲۵ ضمن ابراز نگرانی شدید، اعلام کردند که زندانیان منتقل شده از زندان اوین به زندان‌های قرچک و تهران بزرگ در شرایطی «وخیم و غیرانسانی» نگهداری می‌شوند.

سیاست سرکوب به خانواده‌های زندانیان نیز گسترش یافت؛ گزارش‌هایی از زندان تهران بزرگ (فشافویه) حاکی از آن است که زنان خانواده‌های زندانیان (مادران، همسران، خواهران و دختران نوجوان) پیش از ملاقات با عزیزانشان، تحت بازرسی‌های بدنی «نامتعارف، وقیحانه و توهین آمیز» قرار گرفتند. این بازرسی‌ها نه تنها فاقد وجهت قانونی‌اند، بلکه آشکارا با هدف تحقیر و ارباب صورت گرفت.

5



ماه اوت ۲۰۲۵: سرکوب دوگانه زندانیان سیاسی و خانواده‌ها

در ماه اوت، فشارهای سرکوبگرانه رژیم علیه زندانیان سیاسی، به‌ویژه هواداران مجاهدین، و خانواده‌های آنان شدت گرفت. زندان‌های قرچک، تهران بزرگ (فشافویه)، اوین و قزلحصار کرج شاهد تشدید شکنجه سفید و محرومیت‌های شدید حقوقی و درمانی بودند.

خانواده‌های زندانیان نیز هدف فشار، بازداشت و تهدید قرار گرفتند. ده‌ها شهروند تحت عنوان اعتراض به قطعی آب و برق بازداشت شدند. در این بازه زمانی، ۸ زن زندانی اعدام شده و تعداد کل اعدام زنان تا ماه اوت در سال ۲۰۲۵ به ۳۲ نفر رسید.

بازداشت گسترده زندانیان سیاسی سابق و خانواده‌ها: فاطمه ضیایی آزاد، ۶۸ ساله، مجدداً بازداشت شد. لیلا صارمی و فرزندش فرزاد معظمی، و تلاش برای بازداشت دخترش رزیتا، نمونه فشار بر خانواده‌ها بود. خانواده زندانیان مجاهد مسعود جامعی و شاهرخ دانشور کار نیز تحت فشار و نگرانی شدید بودند.

زندان قرچک: شرایط غیرانسانی شامل قطع برق تا پنج ساعت، نبود امکانات سرمایشی و آب آشامیدنی کافی، تهویه ناکارآمد، کمبود بهداشت و حضور حشرات و موش‌ها، جان زندانیان را تهدید کرد. بسیاری از زنان مبتلا به بیماری‌های مزمن، کهولت سن یا ضعف جسمی شدید، از خدمات پزشکی محروم شدند. معصومه عسگری و معصومه نساجی به دلیل اعتراض به وضعیت غیرانسانی، به سلول انفرادی منتقل شدند. ارغوان فلاحی پس از بلاتکلیفی و شکنجه، به قرچک منتقل شد. مریم اکبری منفرد و الهه فولادی نیز تحت شرایط بسیار نامساعد و محرومیت از درمان قرار گرفتند.

زندان دولت آباد (اصفهان): زندانیان سیاسی زن در کنار زندانیان با جرائم سنگین نگهداری شدند. فشارها و تحریک زندانیان با سوابق جنایی علیه زندانیان سیاسی، تهدیدی جدی برای جان و روان آنان ایجاد. امکانات اولیه زندگی و بهداشتی در این زندان شدیداً ناکافی و غیرانسانی بود.

6



ماه سپتامبر ۲۰۲۵: رکورد شکنی سرکوب زنان

مرگ بر اثر شکنجه سفید و محرومیت از درمان: زندان قرچک به نماد شکنجه و قتلگاه زنان تبدیل شد.

- در ۱۰ روز بین ۱۶ تا ۲۵ سپتامبر، حداقل سه زن: سمیه رشیدی، جمیله عزیزی و سودابه اسدی جان خود را از دست دادند.



- همچنین مریم شهرکی روز ۲۱ شهریور در زندان فردیس کرج بر اثر عدم رسیدگی پزشکی جان باخت.

- ده‌ها زندانی زن مسن یا بیمار دیگر، از جمله شیوا اسماعیلی، فاطمه ضیایی، مرضیه فارسی، پروین میرآسان و زهرا صفایی، از درمان تخصصی محروم شدند.

اکتبر ۲۰۲۵: حکم اعدام برای یک زندانی سیاسی زن

روز ۳ آبان زهرا شهباز طبری، ۶۷ ساله، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب رشت به اعدام محکوم شد. اتهام او «هواداری از سازمان مجاهدین خلق» عنوان شد.

جلسه رسیدگی به پرونده او کمتر از ده دقیقه طول کشید و وکیل تسخیری هیچ دفاع مؤثری ارائه نکرد. مستندات پرونده تنها شامل پارچه‌ای با شعار «زن، مقاومت و آزادی» و «پیام صوتی منتشرشده‌ای» بود که خانواده آن را بی‌اساس می‌دانند.

7



مقاومت در برابر اعدام و اعتراض به مرگ زندانیان

طی روزهای ۲۱ تا ۲۷ مهر، ۱۵۰۰ زندانی محکوم به اعدام در واحد ۲ زندان قزلحصار کرج در یک حرکت اعتراضی بی سابقه به افزایش اعدام‌ها دست به اعتصاب غذا زدند. این بزرگ‌ترین اعتصاب جمعی در تاریخ زندان‌های تحت حاکمیت رژیم بود. خانواده‌های زندانیان نیز با تجمع‌های متعدد در مقابل زندان و مجلس تهران از زندانیان حمایت کردند. زندانیان سیاسی زن طی روزهای ۷ و ۸ مهر علیه مرگ هم‌بندی‌شان سمیه رشیدی به دلیل عدم رسیدگی پزشکی دست به اعتصاب غذا زدند.

انتقال زندانیان سیاسی زن به زندان اوین در وضعیت وحشتناک

بامداد پنجشنبه، ۱۷ مهر ۱۴۰۴، بیش از ۶۰ زن زندانی سیاسی، به همراه چهار زن با جرائم مالی، در شرایط شدید امنیتی و با اسکورت کاروان طولانی خودروهای امنیتی به بند ۶ زندان اوین منتقل شدند. این انتقال شامل بازرسی‌های چندمرحله‌ای و محدودیت‌های شدید بود و زنان در شروع سرمای پاییز از داشتن تخت، پتو و وسائل گرمایشی محروم بودند. بسیاری از آنان مجبور شدند روی زمین سرد و سیمانی بخوابند، نور کافی وجود نداشت و دسترسی به آب گرم بسیار محدود بود. خانواده‌ها امکان ملاقات یا ارسال وسایل گرمایشی نداشتند و تماس‌های تلفنی زندانیان محدود به چند دقیقه در هفته بود. بازگرداندن این زنان تنها شامل زندانیانی می‌شد که پس از حمله دوم تیرماه به اوین به زندان قرچک منتقل شده بودند، در حالی که زنان دیگر، از جمله مریم اکبری منفرد، کماکان در قرچک و تحت شرایط غیرانسانی نگهداری شدند.

نوامبر ۲۰۲۵: قتل زنان با مصونیت کامل

بر اساس گزارش کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، از ابتدای سال ۲۰۲۵ تا پایان نوامبر، حداقل ۱۷۶ زن توسط مردان خانواده به قتل رسیده‌اند. (این آمار تا پایان ماه دسامبر به ۱۹۲ رسید.)

8

این عدد افزایش چشمگیری به نسبت ۱۶۰ قتل زنان در سال ۲۰۲۴ و قتل ۱۰۵ زن در سال ۲۰۲۳ نشان داد. گزارش هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل (۱۳۰ اکتبر ۲۰۲۵) با تاکید بر «مصونیت ساختاری» عاملان خشونت علیه زنان، خاطرنشان کرد که قوانین نظام ولایت فقیه، قاتلان را عملاً از پیگیری قضایی و مجازات معاف می‌کند. قتل‌ها غالباً در پی ازدواج اجباری، کودک‌همسری، خشونت خانگی و مخالفت زنان با قوانین تبعیض‌آمیز رخ می‌دهد.

قوانین مدنی ایران، از جمله مواد ۱۱۰۵، ۱۱۰۸ و ۱۱۱۴، زنان را تابع مرد و محدود به محل زندگی، اطاعت و نفقه می‌کند.

زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند مجبور به بازگشت نزد مرد خشونت‌گر می‌شوند. رژیم با قوانین، رسانه‌ها و دستگاه قضایی خود به بازتولید خشونت کمک می‌کند.

عدالت وارونه: زنان به دلیل اعتراض یا «برداشتن روسری» احکام سنگین زندان می‌گیرند، در حالی که مردان قاتل اغلب با چند سال حبس یا خریدن آزادی مجازات می‌شوند. پدر به عنوان «ولی دم» معمولاً از مجازات معاف است. نمونه‌ها: قاتلان رومینا اشرفی و مونا حیدری تنها ۲ تا ۸ سال زندان گرفتند، در حالی که زنان به جرم اعتراض به حجاب اجباری تا ۱۰ سال محکوم می‌شوند.

دسامبر ۲۰۲۵: همراه با صد هفته کارزار نه به اعدام

تا پایان دسامبر ۲۰۲۵ بیش از ۲۲۰۰ زندانی در ایران اعدام شدند که شامل ارقام وحشتناک ۱۹ زندانی سیاسی و ۱۳ اعدام در ملاعام می‌باشد. بیش از ۱۰۰۰ نفر از آنها تنها در سه ماه اکتبر، نوامبر و دسامبر به دار آویخته شدند.

اعدام زنان در ایران که یکی از اصلی‌ترین اشکال خشونت سازمان‌یافته است به شکلی بی‌رحمانه افزایش پیدا کرد. در میان قربانیان این «بحران اعدام» دست کم ۶۴ زن اعدام شدند. رقمی که نسبت به کل سال گذشته ۸۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. تنها طی چهار ماه از ۳۰ ژوئیه تا ۳۰ دسامبر، جان ۴۰ زن برسر چوبه‌های دار گرفته شد.

کارزار سراسری سه شنبه‌های نه به اعدام در آخرین روزهای ماه دسامبر با ورود به صدمین هفته خود، به یکی از پایدارترین و فراگیرترین حرکت‌های اعتراضی علیه مجازات اعدام در ایران بدل شد. اعتصاب زندانیان در ۵۵ کشور ادامه یافت و بند زنان زندان یزد نیز به طور رسمی به این کارزار پیوست.

خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام به عنوان یکی از ارکان اصلی این کارزار نقش برجسته‌ای ایفا کردند. آنها هر هفته با حضور مستمر در عرصه عمومی و در دست داشتن تصاویر عزیزان خود و بازگو کردن روایت‌های سرکوب‌شده قربانیان، به نیرویی پیش‌برنده در تداوم و گسترش این حرکت اعتراضی بدل شدند. زنان زندانی سیاسی در بند زنان زندان اوین در این ماه به یک مکان نمور که ۴۰ پله زیر زمین قرار دارد منتقل شدند. این محل در شرایطی به مراتب وخیم‌تر از آنچه در زندان قرچک با آن روبه‌رو بودند برای آنها می‌باشد. زندانیان گفتند راهروها و اتاق‌های این بند به شدت آلوده است. موش‌ها و حشرات موذی زیادی هستند. شمار موش‌ها به ۱۰۰ عدد می‌رسد. خطر شیوع بیماری‌های عفونی و آسیب‌های جدی جسمی برای زندانیان روبه افزایش است.

۸ گزارشگر ملل متحد با صدور هشدار فوری به مقامات رژیم، خواستار توقف فوری اعدام زهرا شهباز طبری، زندانی سیاسی ۶۷ ساله محبوس در زندان لاکان رشت شدند.

در همین ایام بیش از ۴۰۰ زن برجسته از سراسر جهان، از جمله برندگان جایزه نوبل، روسای جمهور و نخست‌وزیران سابق، نمایندگان مجلس، گزارشگران ویژه سازمان ملل، چهره‌های برجسته رسانه‌ای، چهره‌های مشهور ورزشی و مدافعان برجسته حقوق بشر - از یک بیانیه عمومی فوری حمایت کردند و خواستار آزادی فوری یک مدافع حقوق زنان شدند که در حال حاضر در ایران با اعدام روبرو است. زهرا طبری، مهندس و مادر ۶۷ ساله ایرانی، تنها به دلیل نمایش بنری با شعار «زن، مقاومت، آزادی» در معرض خطر فوری اعدام قرار دارد.



۲۷ آذر ۱۴۰۴ در جریان مسابقه فوتبال در تبریز حضور و صدای دختران جوان آذربایجان به صحنه‌ای معنادار از اعتراض سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. آنها شعار سر دادند: «آذربایجان شرف‌دی، پهلوی بی شرف‌دی».

اقدام جسورانه دختران آذربایجان در استادیوم سهند، بار دیگر نشان داد که زنان در صف مقدم تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ایستاده‌اند. زنانی که نه تنها قربانی سرکوب هستند، بلکه کنشگران آگاه تغییر نیز هستند. آنان با حضور خود در فضاهایی که سال‌ها از آن‌ها دریغ شده بود، و با تبدیل همان فضاها به تریبون اعتراض، مرزهای تحمیل شده را درمی‌نوردند.

این رویداد یک پیام روشن دارد: زمان به عقب بازمی‌گردد. جامعه ایران، به‌ویژه زنان و جوانانش، مسیر خود را انتخاب کرده است. آینده‌ای که در آن نه «رژیم آخوندی» جایی دارد و نه بازتولید استبداد سلطنتی. آینده‌ای که در افق آن آزادی، برابری و دموکراسی قرار دارد و این آینده، با صدای دختران امروز، در راه است.